آسیا
۶
یکشنبه
۱۲ تیر ماه
۱۳۸۴
۳ جولای ۲۰۰۵
شماره ۷۵ (۴۱۹+۱+۹)

گفت‌وگوی «آسیا» با محمدرضا محمدی، قائم‌مقام معاونت سینمایی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

«حوزه» به دوران آدم برفی باز نمی‌گردد

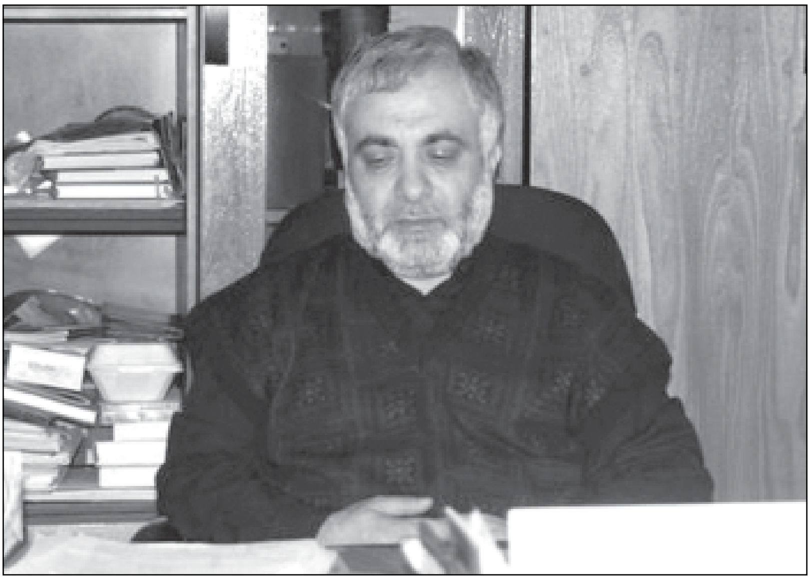

سیاست‌های فرهنگی و هنری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در دهه ۷۰ به شدت موضوع بحث رجال، اندیشمندان و علاقه‌مندان به هنر بود. این موضوع شاید ناشی از چرخش آشکاری بود که در برنامه‌ها و اهداف این مرکز به نسبت دهه قبل صورت گرفت؛ آنجا که حسین بنیانیان جانشین محمدعلی زم شد تا سکان هدایت این امپراتوری بزرگ فرهنگی را به عهده بگیرد. به عقیده آگاهان با آغاز دوره ریاست بنیانیان سیاست‌ها به خصوص در بخش سینما تغییر کرد و تهیه فیلم‌های تجاری و عامه‌پسند جای خود را به ساخت آثار اخلاق‌گراتر داد. در گفت‌وگو با محمدرضا محمدی قائم‌مقام معاونت سینمایی حوزه هنری، تغییر استراتژی، مدل‌کاری و هرآنچه مربوط به سینمای این مرکز فرهنگی است، مورد بحث قرار گرفته است. با توجه به اینکه به عقیده بنیانیان در کار فرهنگی تعیین عدد و رقم به دشواری صورت می‌گیرد. خواندن این مصاحبه از آنجا که حوزه هنری تاثیر بسیاری بر سیاست‌های کلی سینمای ایران دارد، می‌تواند قابل توصیه باشد.

علی بافکرپور

■ موافقید صحبت را از سیاست‌های مدیریت جدید معاونت سینمایی حوزه هنری آغاز کنیم.

سیاست‌های ما حول دو محور اصلی رسالت‌های «حوزه» تعریف شده است. رسالت اول تلاش جهت شناسایی نیروهای نخبه و پرورش استعدادهای جوان برای آینده کشور است و رسالت دوم این است که سعی کنیم آثار تولیدی از نظر خودمان قابل دفاع باشد که به این‌گونه آثار، آثار فاخر می‌گوییم.

■ بیشتر توضیح بدهید.

پایه‌ای که برای اجرایی شدن این رسالت تعریف شده متکی به تحقیق و پژوهش است و بر اساس فرمولی که برای خودمان داریم باید برای هر کارمان به اصطلاح «اتاق فکر» داشته باشیم. یعنی ابتدا باید فکر شود و بعد عصاره و خلاصه آن جریان فکری تبدیل به یک اثر شود. قطعاً چنین شیوه‌ای ثمر خواهد داد. آثاری که تا قبل از نتیجه‌ای که در جشنواره بیست و سوم گرفتیم تولید شده، باید با توجه به دوران تغییر مدیریت و شناخت اولیه‌ای از شرایط موجود که می‌بایست حاصل می‌شد سنجیده شود، و این کار قطعاً زمانی را از ما گرفت تا بتوانیم به اهداف مورد نظر و دیدگاه مدیریت ارشد «حوزه» نزدیک شویم.

■ به نتیجه‌ای رسیدید؟

در این دوره سه‌ساله، تیم‌های فکری ما فعال بودند. حرکت‌هایی را سامان دادند و آثاری را تولید کردند که از لحاظ محتوایی قابل دفاع است. ما موظفیم که به شکلی ویژه به مفهوم و محتوا دقت داشته باشیم و این انتظاری است که نخبگان دینی از ما دارند و جایگاه «حوزه» هم چنین اقتضا می‌کند. با این وصف باید بپذیریم که خیلی هم مسایل اقتصادی محور نباشد، اما آنچه ما را زنده نگه می‌دارد این است که بتوانیم سرمایه‌ای را که جهت این کارها دریافت می‌کنیم گردش کار و خروجی مناسب مالی داشته باشد. برخی آثاری را که در گذشته تولید کرده‌ایم و متاثر از فضای آن زمان بود به لحاظ مالی جواب نداده است. به هر حال فضای پیچیده سینمای امروز و سالن‌ها نیز در این مساله موثرند.

■ منظورتان فیلم‌های تولیدی در پایان مدیریت قبلی است؟

نه، در ابتدای ورود مدیریت جدید. اما همین کار آقای بهزادپور نیز فروش خوبی نداشت.

ببینید فیلم «خداحافظ رفیق» یک کار ارزشی است و یک هنرمند و کارگردان ارزشی ما آن را ساخته است، اما من نمی‌دانم چه مشکلی وجود دارد که حتی نهادهای مکتبی و ارزشی ما هم، آن‌گونه که باید، از این کار حمایت نکردند. این‌گونه کارها باید مورد حمایت نظام و نهادهای انقلاب قرار گیرد.

■ آیا برنامه‌ریزی و ساخت این فیلم هم براساس سیاست‌های مورد اشاره و در اتاق فکر انجام گرفته یا آن را باید مقدمه کارهای مدیریت جدید محسوب کرد؟

این یک «ورود» بود. به این معنا که ما در حوزه دفاع مقدس یک سری چهره‌های هنری محدود و خاص داریم. آقای بهزادپور که صاحب طرح بود در ابتدای قضیه خیلی زحمت کشیده بود. فکر می‌کنم در زمینه دفاع مقدس این واقعیت وجود دارد به محض اینکه کمپانی‌های خارجی اثری را مربوط به ارزش‌های دفاع مقدس می‌بینند، سریعاً عکس‌العمل نشان می‌دهند. «خداحافظ رفیق» به نظر من کار بسیار ارزشمندی است ولی نه مناسب سالن‌های سینمایی ما با مخاطبانش و نه در نهایت در دنیای بیرون جواب می‌دهد. از این کارها باید حمایت خاص بشود.

> کل کارهای انجام شده طوری نبوده که ما بگوییم یک میلیارد هزینه کردیم هزینه هر یک از کارها ۵۰۰ میلیون تومان یا ۲۰۰ میلیون تومان بوده است ما می‌گوییم در بخشی که امانتدار «حوزه» بودیم خوب عمل کردیم. حالا اگر نتوانیم این رقم را [به گیشه] برگردانیم خیلی بد است

■ امسال در موضوع دفاع مقدس شاهد کاری از آقای اعظمیان با فیلم «مرزی برای زندگی» بودیم، آیا می‌توان گفت «حوزه» این‌گونه کارها را مطلوب می‌داند و در سینمای دفاع مقدس قصد حرکت در این راستا را دارد؟

من یک انتقاد به مجموعه بزرگانی که در عرصه فرهنگ و هنر کشور هستند دارم و آن، این است که ما در برنامه‌های خاص صاحب استراتژی نیستیم. به‌عنوان مثال یک زمان دشمنان ما موضوع جزایر سه‌گانه را مطرح می‌کنند و ما باید از قبل این تدبیر را داشته باشیم که چهار اثر بزرگ سینمایی پرمعنا تولید کنیم تا وقتی این آثار در کشورهای دنیا پخش شد مردم آن کشورها حاکمانشان را تحت فشار بگذارند که به کشور ما حمله نکنند و برای ما مزاحمت ایجاد نکنند و بدانند به ضررشان تمام می‌شود. متاسفانه ما برای این کارها صاحب استراتژی نیستیم. امروز باید حرف‌هایمان را در لایه‌های پنهان و با امکانات و ابزار دنیای جدید بزنیم.

فیلم اعظمیان کاری فکر شده و در همین راستاست. به هر حال کار دفاع مقدس است و کاری است که قطعاً در بخش‌هایی از دنیای بیرون هم مشتری خود را دارد، در کشورهای اسلامی که قطعاً حامی خواهد داشت و مورد توجه مخاطبان قرار خواهد گرفت.

> قرار است همه پرنشاط باشیم، شاد باشیم، باهم بخندیم، نه اینکه به هم بخندیم. در خنده‌ای که قرار است باهم باشیم قطعاً طرح تولید کارهای پرنشاط و شادی‌بخش که در قالب طنز بوده و بتواند شکل مطلوب را پیدا کند، در دستور کار هست، ان‌شاءا... در آینده نزدیک یکی از آن کارها را نمایش می‌دهیم تا شما خوب بخندید!

■ آقای اعظمیان کار اولشان را ساختند و سرمایه آنچنانی هم صرف نشده است، آیا حوزه هنری نمی‌خواهد با کارگردانان حرفه‌ای‌تر و سرمایه‌هایی کلان‌تر - لااقل هم ردیف فیلم دوئل - روی آثار ارزشی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری کند؟

برای هر حرکتی باید امکانات مناسب با آن را فراهم کرد. اعظمیان بچه‌مسلمان همین کشور است. بچه جنگ و جبهه است. «مرزی برای زندگی» اولین کارش به‌عنوان یک کارگردان است. او باید خیلی تمرین کند تا برسد به جایی که ان‌شاءا... در آینده نزدیک موفق بشود. چون استعداد رشد کردن را دارد. کار اول او به اعتقاد من یک معرکه است. اثری است که نزدیک ۱۰۰ دقیقه ساختار تصویری دارد و شاید بیش از ۲۰ دقیقه دیالوگ ندارد، این یعنی معرکه در عرصه سینما. پس در کار بعدی به آقای اعظمیان حتماً باید متناسب با فضای فیلم‌نامه‌اش امکانات خوب داده شود. البته در این حرکت هم با توجه به فضایی که فیلم‌نامه داشت به هر حال کمبود - به آن معنا که خودش حداقل گله‌مند شود - نبوده است. ولی چون کار اول بود مطمئناً نمی‌شد به آقای اعظمیان گفت برود «دوئل» بسازد، هرچند کارهایی مثل دوئل هم جای حرف دارد که البته در جای خودش می‌شود در ارتباط با آن صحبت کرد.

■ آیا «حوزه» قصد ندارد در آینده با کارگردانان حرفه‌ای‌تر کار کند؟ امسال آقای مجیدی بود که از کارگردان‌های قدیمی «حوزه» است، آیا امکانش وجود دارد به شکل گسترده‌تری با افراد بزرگ و حرفه‌ای سینما وارد فعالیت بشوید؟

مدعی هستیم در فضای کاری‌مان بدون مرزبندی کار می‌کنیم؛ می‌خواهیم با بزرگ و کوچک، با جوانان خوش فکر و با استعداد کشور همکاری داشته باشیم. ما باید چندین مجیدی، حاتمی‌کیا و میرکریمی داشته باشیم که بتوانند پایه‌های مذهبی و ملی باشند. در این جهت ما بر اساس همین فکر عمل کردیم که طیف‌های مختلف با ما کار کنند. ما مدعی هستیم که مدیریت کردیم تا این جو حاکم شده است و این امر بر اساس مدیریت خاص و هدایت خوب ریاست «حوزه» و نگاه ویژه ریاست سازمان تبلیغات اسلامی و ناشی از همفکری‌هایی بوده است که در زیرمجموعه وجود دارد. آنچه در جشنواره بیست و سوم به دست آوردیم حاصل تفکر جمعی است. امیدوارم خدا این توفیق را بدهد از این نعمت‌ها پاسداری کنیم. خودمان هم باور نداریم این کارها را ما انجام داده‌ایم. این عنایت خاص خدا بود که به مجموعه‌ای به نام حوزه هنری ارزانی شد و ما هم باید آن را پاس بداریم تا بتوانیم در ادامه مسیر بهره‌برداری خوبی داشته باشیم؛ به معنای اینکه کارهای آینده، کارهای قابل دفاع و ارزشمند باشد. و آنجا از همدیگر نپرسیم که چرا جوان‌های خوب و با استعداد را نیاوردیم و چرا بزرگان سینما در عرصه، حاضر نیستند. الان مدعی هستیم که مجموعه بزرگان عرصه هنر کشور در اختیار حوزه هنری است و جوانان پاک کشور به «حوزه» دل بسته‌اند، ولی اینها، همه امکانات می‌خواهد. ما در بحث تامین منابع نباید محدودیت داشته باشیم؛ گرچه قبول داریم که باید نظارت خاص بر روی منابع و اعتبارات داشته باشیم ولی قطعاً محدودیت منابع ما را عقب می‌نشاند.

■ در جشنواره امسال دو اثر اجتماعی با رویکرد عرفانی داشتیم، «بید مجنون» و «خیلی دور خیلی نزدیک»؛ آیا گرایش عمده «حوزه» به این سمت است، یا در انتخاب موضوع برای شما محدودیتی وجود ندارد؟

ما در موضوعات مختلف هیچ محدودیتی نداریم. باید مخاطب را بشناسیم و برایش کار کنیم ولی مخاطب ما مخاطب جهانی است. اگر این ادعا را داشتیم و نتوانستیم جامه عمل بپوشانیم حتماً ضعف از ما بوده است. «حوزه» با جایگاهی که برایش متصور است باید اتفاقات مهم‌تری بیافریند. ما باید در همه زمینه‌ها حضور فعال داشته باشیم و تولیداتی ارایه کنیم که معنای ویژه داشته باشد و از کار کلیشه‌ای بپرهیزیم. مثل دیگران نیز کار نمی‌کنیم و قصد رقابت با دیگران هم نداریم. ما باید فضاسازی بکنیم. ما مدعی هستیم باید فضای کارمان بر اساس پایه‌های اعتقادی دین‌مان باشد. به هر حال باید کاری انجام دهیم که قابل دفاع باشد. دوست داریم منتقدان هم بیایند، کارهایمان را ببینند و به نقد بنشینند.

■ آیا می‌توان از حوزه هنری باز هم انتظار فیلم‌هایی مثل آدم‌برفی و مرد عوضی را داشت؟

بنا نیست که ما برگردیم به ۱۵ سال قبل. ما باید نه تنها در زمان خودمان حرکت کنیم بلکه باید یک قدم هم جلوتر باشیم تا دیگران ما را قبول کنند.

■ اگر فیلم‌هایی که امسال در جشنواره عنوان‌هایی را کسب کردند هنگام اکران فروش خوبی نداشته باشند، آیا حوزه هنری سیاست‌های فعلی را همچنان دنبال می‌کند؟

این بخش بر می‌گردد به تصمیم مقامات ارشد سازمان، ولی ما به‌عنوان افراد امانتدار در این بخش سعی کردیم مسیری را که طراحی شده است تا به اینجا طی کنیم. در جشنواره بیست و سوم اگر جوایزی نصیب «حوزه» شد قطعاً حاصل مدیریت خوب مجموعه‌ای بود که در راس آن جناب آقای خاموشی و جناب آقای بنیانیان قرار دارند. ولی آنچه به نظر من می‌رسد این است که ادامه این کارها منوط به این است که آثار از لحاظ اقتصادی هم جواب بدهد. هرچند ممکن است در افکار عمومی این طور متصور شود که این آثار سرمایه زیادی را به خود اختصاص داده است - همان‌گونه که یک نگاه جفا گونه نسبت به بعضی از آثار گذشته وجود دارد که نمی‌توانم آن آثار را نام ببرم، زیرا ممکن است به این امر متهم شوم که آنها دوستان بنده هستند - ولی کل کارهای انجام شده طوری نبوده که ما بگوییم یک میلیارد هزینه کردیم. هزینه هر یک از کارها، ۵۰۰ میلیون تومان یا ۲۰۰ میلیون تومان بوده است. ما می‌گوییم در بخشی که امانتدار «حوزه» بودیم خوب عمل کردیم. حالا اگر نتوانیم این رقم را [به گیشه] برگردانیم خیلی بد است. قطعاً کاری که مورد قبول جشنواره قرار بگیرد پس توانسته مخاطبی را جلب کند. در نتیجه باید با قاطعیت بگوییم این آثار مطمئناً جواب خواهد داد. اگر جواب ندهد معلوم می‌شود جایی گره‌ای وجود دارد و لذا باید در برنامه‌ریزی کلان فرهنگی هنری کشور تجدید نظر بشود. در آن صورت باید با نخبگان کشور به مشورت نشست و دید آیا سینمای ما مشکل پیدا کرده یا مخاطبین ما مشکل پیدا کرده‌اند و حلقه گمشده را پیدا کرد.

■ شیوه تعامل «حوزه» با کارگردانان چگونه است؟ چه شاخص‌هایی را برای انتخاب در نظر می‌گیرید؟

با توجه به فضای فکری طراحی شده که متاثر از اهداف تعریف شده «حوزه» است، فیلم‌نامه را می‌خوانیم، بعد با کارگردان در آن ارتباط بحث می‌کنیم و در نهایت اگر به نتیجه رسیدیم کار شروع می‌شود. بحث مشارکت ما با تهیه‌کنندگان دیگر توافقی است. ممکن است با کسی ۳۰ درصد، ۷۰ درصد و با بعضی‌ها ۴۰ درصد یا ۶۰ درصد و با تعدادی ۵۰ درصد همکاری کنیم.

■ در این مشارکت‌ها سیاست‌های «حوزه» بیشتر رعایت می‌شود یا سیاست‌های طرف مقابل نقش بیشتری دارد؟

در کلیه مشارکت‌ها نظر و سیاست ما اعمال خواهد شد. ما مدعی هستیم باید نیروی فکری ما بر روی فیلم‌نامه اثرگذار باشد. یعنی نکات و نقاط انحراف که ممکن است در کارها به وجود آید برای ما تعریف شده و این امر در گوشه‌ای از اهداف ما گنجانده شده است.

■ آیا از آقای مجیدی دعوت به کار کرده‌اید؟

آقای مجیدی یکی از همکاران قدیمی ما در «حوزه» است. ایشان با توجه به دلبستگی‌ای که به «حوزه» دارد معمولاً با «حوزه» کار می‌کند. یک فیلم‌نامه مطرح شد به ایشان طرح موضوع شد و قرار شد با «حوزه» کار کند.

■ در ارتباط با سالن‌های سینمای متعلق به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی توضیح بفرمایید که در حال حاضر از لحاظ مدیریتی دارای چه شرایطی است؟ آیا برنامه‌ای برای گسترش سالن‌ها در آینده دارید؟

کلیه سینماهایی که از قبل در اختیار «حوزه» بود هنوز کمافی‌السابق در اختیار «حوزه» است؛ به غیر از یک سالن در مشهد که مورد اختلاف است. از لحاظ مدیریتی از ابتدای سال ۱۳۸۳ تغییراتی ایجاد کردیم. در سال‌های گذشته نظارت به صورت متمرکز و توسط خود معاونت سینمایی بود، ولی از ابتدای خرداد امسال این امر بدین شکل شد که مدیریت و نظارت سالن‌های هر شهرستان را به خود حوزه هنری همان شهرستان محول کردیم. ولی درباره تغییر سیاست‌ها یا روش‌هایی که مد نظرتان است «حوزه» ممکن است سینماها را واگذار کند یا تغییر کاربری بدهد. اینها دور از تصور نیست. مطمئناً در فضای بعدی «حوزه» باید یک فکر اساسی بکند تا این سینماها سرپا بماند و بهره‌گیری لازم را داشته باشد. در بخش افزایش سالن‌ها باید عرض کنم که در این بخش اگر اعتبارات مهیا شود می‌توان در فضای موجود سالن‌های سینما را افزایش دهیم. به‌عنوان مثال کاری که در سینما سپیده انجام دادیم و بحث نمایش حرفه‌ای فیلم کوتاه را به این بهانه راه‌اندازی کردیم. استفاده از فضاهای بلااستفاده‌مان نیز در برنامه‌های ما قرار دارد.

■ کدام یک از اثرهایی که «حوزه» در چند سال اخیر تولید کرده با سود خوب مواجه بوده و کدام اثر متضرر شده است؟

خدمت شما عرض کنم که اگر ضرر را مالی ببینیم و با مدل بازار امروز سنجیده شود ظاهراً همه فعالیت‌های هنری و فرهنگی ضرر است؛ ولی اگر نگاه یک نگاه معنوی باشد فیلم «خداحافظ رفیق» که به اعتقاد خیلی‌ها ما در این فیلم متضرر شدیم به اعتقاد من این طور نبوده است. نسل آینده نیاز به این مستندات دارد. با این معنا در هیچ کاری ضرر نکرده‌ایم، ولی اگر فیلم‌ها به اعتقادات دینی لطمه بزنند، بله! ما ضرر کرده‌ایم. در مجموع، در چند فیلم تولید شده وضعیت پایاپای را داشته‌ایم.

■ نگاه حوزه هنری به فیلم‌های کوتاه چگونه است؟ آیا فعالیت در این موضوع نیز در دستور کار «حوزه» قرار دارد؟

کارهای کوتاه را هم ما با نگاه حرفه‌ای می‌بینیم، ولی به هر حال بستگی به نوع سوژه و موضوع دارد. ما برای تولید فیلم کوتاه دو بخش خانه فیلم‌سازان جوان و خانه مستندسازان ایران را داریم.

«حوزه» در این دو قسمت هم مثل سینمای حرفه‌ای عمل می‌کند. یعنی نمی‌توانیم به مانند سینمای تجربی عمل کنیم. آنجا هم موضوعات خاصی را که تاکنون کمتر کار شده، کار می‌کنیم و علاقه‌مندان می‌توانند به ساختمان «حوزه» در خیابان زرتشت مراجعه کنند، فیلم‌نامه‌شان را بدهند، مطالعه می‌شود. اگر با سیاست‌های سازمان همخوانی داشت جهت ساخت و تولید آنها اقدامات بعدی صورت می‌گیرد.

■ آقای غفاری (نماینده حوزه هنری در سینمای رسانه‌ها در جشنواره اخیر) گفت «حوزه» در سال جدید حتی یک پلان از فیلم‌های تولید شده را ممیزی نکرده است، آیا این موضوع را تایید می‌کنید؟ در مجموع وضعیت ممیزی در «حوزه» چگونه است؟

وقتی یک پایه فکری را تعریف کردیم قطعاً همدیگر را برای همکاری پذیرفته‌ایم. نتیجه آن هم این خواهد شد که هیچ اثری از ما ممیزی نمی‌شود. نکته‌ای که ایشان مطرح کرده‌اند این است که ما در داخل خودمان همه صحبت‌ها را کرده‌ایم. ولذا کارهایی که از سوی ما به ارشاد رفته حتی یک مورد هم تذکر نداشته است. ممکن است آقای غفاری «این موضوع» را متذکر شده است؛ زیرا کلیه آثار ما ابتدا توسط افراد خودمان که آشنایی کامل با فضای حاکم در جامعه دارند و سیاست‌های موجود «حوزه» را می‌دانند بررسی و ملاحظه شده سپس به ارشاد ارسال می‌شود.

■ اما به نظرم آقای غفاری منظورشان این بود که ما حتی در «حوزه» هم ممیزی نمی‌کنیم.

نه، فکر نمی‌کنم منظور آقای غفاری این موضوع بوده باشد؛ زیرا حتی

> دشمنان ما موضوع جزایر سه‌گانه را مطرح می‌کنند و ما باید از قبل این تدبیر را داشته باشیم که چهار اثر بزرگ سینمایی پرمعنا تولید کنیم تا وقتی این آثار در کشورهای دنیا پخش شد مردم آن کشورها حاکمانشان را تحت فشار بگذارند که به کشور ما حمله نکنند

راش‌های فیلم‌ها را هم می‌بینیم، کلیه دقت‌نظرها را اعمال می‌کنیم تا به قسمت تدوین و تولید نهایی می‌رسیم. این کارها قطعاً در «حوزه» شده که نتیجه آن این می‌شود که هیچ یک از کارهای «حوزه» ممیزی نمی‌شود.

■ فیلم‌های امسال کمی خشک بودند، با توجه به فضایی که جامعه طالب آن است آیا «حوزه» نمی‌خواهد به تولید فیلم‌های شاد فکر کند؟

قرار است همه پرنشاط باشیم، شاد باشیم، باهم بخندیم، نه اینکه به هم بخندیم. در خنده‌ای که قرار است با هم باشیم قطعاً طرح تولید کارهای پرنشاط و شادی‌بخش که در قالب طنز بوده و بتواند شکل مطلوب را پیدا کند، در دستور کار هست، ان‌شاءا... در آینده نزدیک یکی از آن کارها را نمایش می‌دهیم تا شما خوب بخندید!

آیین شهریاری

بابک بهی

رابطه گوش با هوش

ایرانیان باستان معتقد بودند که هرچقدر گوش شخصی بزرگ‌تر باشد، او داناتر است.

عجله نکنید. لطفاً پیش از برداشتن متر خیاطی برای اندازه‌گیری کفه گوش خود، به دلیل این گفته توجه کنید. آنها بر این باور بودند که:

«شخصی که گوش بزرگی دارد، بیشتر به گوش کردن عادت کرده تا سخن گفتن.»

باور کنید همین دو سطر برای آیین شهریاری امروز کافی است. این پند قدیمی، مهارتی است که همه ما امروز به آموختن آن نیاز فراوانی داریم، مهارتی که در مدیریت نوین به آن «شنود موثر» می‌گویند و نویسندگان فراوانی در این باره به قلم‌فرسایی پرداخته‌اند و فرمول‌ها و روش‌های گوناگونی برای آن صادر کرده‌اند.

ما هم همین کار را می‌کنیم و به شما پیشنهاد می‌کنیم که بیایید از امروز تصمیم بگیریم ۱۰ درصد از گفتار خود کم کنیم و ۱۰ درصد بر شنیده‌های خود بیفزاییم. به قول فردوسی:

«سخن بشنو و بهترین یادگیر
نگو تا کدام آیدت دلپذیر»

و یا

«چو گفتار بیهوده بسیار گشت
سخن‌گوی در مردمی خوار گشت»

و یا

«سه پاس تو چشم است و گوش و زبان
کزین سه رسد نیک و بدبی‌گمان»

«با حال» خوب!

عالم دیوانگی

روی نیمکت تیمارستان دو تا دیوانه مذاکره می‌کردند. یکی‌شان دستش را مشت کرد و از آن یکی پرسید:
- اگه گفتی تو دستم چیه؟
- مگسه؟
- نه
- پروانه‌اس؟
- نه
- پس چیه؟

اولی دستش را کمی باز کرد و نگاهی به آن انداخت و دوباره مشتش را بست و پرسید:
- خب، چه رنگیه؟

تازه به دوران رسیده ها

دو تا نوکیسه در یک کافه‌قهوه ای خوردند و بعد آهسته‌آهسته در خیابان راه افتادند تا رسیدند به یک نمایشگاه اتومبیل که ماشین بسیار شیک منحصر به فردی پشت شیشه‌اش بود. مشتاقانه داخل شدند و اولی پرسید:
- این چنده؟
- ۳۰۰ میلیون تومن

نوکیسه دست به جیب کرد دسته‌چک در آورد که آن یکی دستش را گرفت:
- نه دیگه، حالا نوبت منه، چون پول قهوه رو تو دادی!

محاسبه

در بزرگترین مسابقه اسب‌دوانی فرانسه، مسیودوپون همه دار و ندارش را نقد کرده و با عجله آمد به میدان مسابقه و همه را روی اسب شماره ۵۲ که هیچ کس دیگر روی آن شرط نبسته بود گذاشت و بعد از مسابقه اسب‌اش اول شد و میلیون‌ها یورو برنده شد. خبرنگارها ریختند سرش که از کجا حدس زدی این اسب برنده می‌شود؟ مسیودوپون جواب داد:
- دیشب تا صبح خواب می‌دیدم که عددهای ۷ و ۸ دور سرم پرپر می‌زنن.
- خوب ۷ و ۸ چه ربطی به ۵۲ داره؟
- مگه هفت، هشت تا ۵۲ تا نمی‌شه؟

دلا دیوانه شو

با یرام‌علی و غضنفر درباره برنامه تعطیلات تابستانی خودحرف می‌زدند. غضنفر پرسید:
- شنیدم امسال تابستون نمی‌ری رامسر
- نخیر، خلاف به عرضت رسوندن، پارسال بود که نرفتم رامسر، امسال برای تنوع می‌خوام نرم بابلسر!

آشتی جویانه

حسینقلی‌خان و ملوک‌خانم حرفشان شده بود که یک‌دفعه خانم زد زیر گریه:
- تو خیلی خودخواه و متعصبی، از نظر تو هرچی خودت داری خوبه، هرچی مربوط به منه بده.

حسینقلی‌خان که چندان هم خودخواه نبود از سر آشتی و دلسوزی گفت:
- اینطورام که می‌گی نیست، عزیزم. مثلاً من تصدیق می‌کنم که مادر شوهر تو از مادرزن من خیلی بهتره.

کجا بودی؟

ابوطالب‌خان شب‌ها خیلی دیر خوابش می‌برد و در نتیجه صبح‌ها هم خیلی دیر سرکار حاضر می‌شد و داد آقای رییس را در می‌آورد. ناچار رفت دکتر و به تجویز او آن شب یک قرص آرام‌بخش قوی خورد و زود خوابش برد و صبح شنگول و سرحال و به موقع سرکار حاضر شد.
- رییس ملاحظه بفرمایید که چه زود آمدم اداره.
- بله متوجه‌ام، ولی بفرما که دیروز کجا بودی؟

خالی بند ها

خان‌باباخان و میرزاجعفرخان، از آن خالی‌بندهای اسمی بودند، به‌خصوص در زمینه ماهیگیری. آن روز خان‌باباخان شروع کرد:
- من ماهی‌هایی می‌گیرم به چه گندگی.
- مثلاً چقدر؟
- مثلاً بالن!
- اینکه چیزی نیست! من بالن رو به‌عنوان طعمه می‌زنم سر قلابم!

آسیا
info@asianews.ir
www.asianews.ir